

بررسی برابرنهادهای واژه «عذاب» در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم

مجتبی شکوری^{۱*}، فاطمه حاجی اکبری^۲، رحیمه شمشیری^۳

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران

۲- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران

دریافت: ۱۳۹۸/۷/۸

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

چکیده

ترجمه‌های قرآن کریم یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌دهنده به ذهنیت مخاطبان غیر عرب‌زبان قرآن درباره مفاهیم این کتاب آسمانی هستند. واژه «عذاب» یکی از واژگان پرکاربرد قرآن کریم است که در ساخت طرح‌واره قرآنی نسبت به معاد و زندگی در سرای آخرت نقشی کلیدی دارد. این تحقیق به بررسی این امر می‌پردازد که مترجمان فارسی قرآن، چه معادل‌هایی برای این واژه پیشنهاد داده‌اند. بررسی ۵۰ ترجمه فارسی قرآن کریم در دوره‌های زمانی مختلف، با استفاده توأمان از روش‌های توصیفی-تحلیلی و روش‌های آماری، نشان می‌دهد که مترجمان فارسی‌زبان قرآن، اهتمام چندانی به معادل‌یابی برای این واژه نداشته‌اند و در اکثر قریب به اتفاق موارد، از خود واژه «عذاب» برای ترجمه استفاده نموده‌اند. البته در طول سده‌های میانه هجری، استفاده از خود واژه برای ترجمه به تدریج و با سرعت بسیار کم، رو به کاهش بوده که این سیر نزولی، در سده‌های معاصر شکسته می‌شود و اکثر مترجمان معاصر نیز رویه متقدمان را پیش گرفته‌اند. در اندک مواردی که از خود واژه برای ترجمه استفاده نشده، واژگان «مجازات»، «شکجه»، «کیفر»، «عقوبت»، «آزار»، «گرفتاری»، «بلا و عقاب» به ترتیب کثرت استعمال، به عنوان برابرنهاد این واژه به کار رفته‌اند که به نظر می‌رسد از میان موارد فوق، واژه «کیفر» واژه مناسبی برای هم‌ارزی با کلمه «عذاب» در قرآن کریم باشد.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، برابرنهاد، ترجمه فارسی، کیفر، هم‌ارزی

۱- مقدمه

۱-۱- تعریف مسئله

یکی از روش‌های تبلیغ دین و گسترش آگاهی‌ها درباره مفاهیم و معارف دینی، ترجمه متون مقدس دینی به زبان‌های دیگر است. ترجمه، عبارت است از یافتن نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین معادل، برای واژگان زبان مبدأ به‌طوری که روش و سیاق گوینده کلام، حفظ شود (معروف، ۱۳۸۶: ۷).

یکی از چالش‌های ترجمه متون مقدسی چون قرآن کریم، یافتن برابرهادهای مناسب برای واژگان کلیدی و بنیادین متن است. واژه عذاب، یکی از کلمه‌های پر کاربرد و کلیدی قرآن کریم است که در زبان فارسی نیز به‌عنوان یک وام‌واژه، جای خود را باز کرده است. «شکنجه، آزار، درد، رنج، زجر و عقوبت»، کلماتی است که برای توضیح این مفهوم در لغت‌نامه‌های فارسی به‌کار رفته‌اند (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۵۵؛ عمید، ۱۳۸۹: ۷۵۵؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۱۵۷۷۶). کدامیک از این کلمات، معادل دقیق‌تری برای این واژه هستند و کدام‌یک بهتر می‌توانند مفهوم عذاب در قرآن را منتقل نمایند؟

واژگانی چون درد، رنج، آزار و شکنجه، صرفاً بر آزرده‌گی بدنی دلالت دارند، اما در کلماتی چون عقوبت و مجازات، جنبه جزایی و تنبیهی این اقدام، پررنگ‌تر می‌شود. اهمیت بحث در این است که اگر مراد از عذاب را صرفاً آزار بدنی بدانیم، آن گاه باید اذعان کنیم که بسیاری از مجازات‌های اخروی، جنبه بدنی دارند. اما اگر محور مفهومی این واژه را جزا و عقوبت شدید در نظر بگیریم، بر جنبه بازدارندگی و عبرت‌آموزی آن تأکید بیش‌تری می‌شود.

ترجمه‌های قرآن کریم، از مهم‌ترین منابعی هستند که ذهنیت مخاطبان غیر عرب‌زبان قرآن را نسبت به واژگان پراهمیتی چون «عذاب»، شکل می‌دهند. از آن‌جا که واژه عذاب، در بستر زبان عربی تکون یافته و مخاطب فارسی‌زبان، نمی‌تواند به صورت دقیق و عمیق، مؤلفه‌ها و عناصر شکل‌دهنده این مفهوم را شناسایی و فهم نماید، ترجمه‌های فارسی قرآن کریم قاعدتاً، باید برای رفع این مشکل، معادل‌های مناسبی برای این مفهوم ارائه نمایند.

هدف این مقاله آن است که طی یک پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیلی، با بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و با استفاده از تحلیل‌های آماری و داده‌محور، مشخص نماید که مترجمان با چه الگویی، چه معادل‌هایی را به کار برده‌اند و از بین این معادل‌ها، کدام‌یک صحیح‌تر و مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

برای نیل به هدف تحقیق، نویسندگان ابتدا به سراغ آیات قرآن کریم رفته و موارد کاربرد ریشه «عذب» در قرآن را احصا نمودند. در این مرحله، مشخص شد که مشتقات این ماده، ۳۷۳ بار در قرآن مورد استفاده قرار گرفته که از این میان، به جز دوبار کاربرد با ساخت صرفی «عذب» (به سکون ذال) به معنای «گوارا»، در مابقی موارد، به همان معنای متبادر عذاب اشاره دارد (برای مشاهده کاربردهای ریشه عذب در قرآن: مرسلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۲).

در مرحله بعد، فهرستی از پنجاه ترجمه فارسی قرآن که در دسترس نویسندگان قرار داشت، تهیه و تک تک موارد کاربرد واژه عذاب در این ترجمه‌ها مشاهده و ضبط شد. سپس با استفاده از تحلیل‌های آماری، مشخص شد که مترجمان قرآن در زمان‌های مختلف، چه برابرنهادهایی برای این واژه پیشنهاد داده و استفاده نموده‌اند.

۲-۱- پیشینه پژوهش

تاکنون درباره معادل‌های واژه عذاب در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. از پژوهش‌های قابل اعتنا درباره این مفهوم، می‌توان به مقاله «معناشناسی واژه عذاب در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی» (مرسلی و همکاران، ۱۳۹۷)، اشاره کرد که در آن، به بررسی معناشناختی این واژه در قرآن پرداخته شده است. نویسندگان در این مقاله، عنوان می‌کنند که مفهوم عذاب در قرآن با مفهوم واژگانی چون خسر، حبط، عقاب، نار و جزاء، رابطه جانشینی دارد. اما مفهوم‌شناسی این واژه و بررسی معادل‌های آن در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم مطمئن‌نظر این پژوهشگران نبوده است.

مقاله «بررسی طرح‌واره‌های تصویری عذاب در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی» (عابدی جزینی و همکاران، ۱۳۹۷) نیز، پژوهش دیگری است که به موضوع پژوهش حاضر مرتبط است. در این مقاله، نویسندگان با ملاحظه استعاره‌های مفهومی شکل گرفته حول محور مفهوم «عذاب»، روشن می‌سازند که در ساخت مفهوم انتزاعی عذاب در قرآن، از طرح‌واره‌های متعددی چون طرح‌واره حجمی، دوری و نزدیکی، خطی، نیرو و عقب و جلو بهره گرفته شده است.

از نظر روشی نیز، پژوهش‌های متعددی در حوزه بررسی برابرندهای واژگان قرآنی انجام شده که از این میان می‌توان به مقالات «برابرندهای واژه وادی در دوره‌های تاریخی ترجمه و تفسیر فارسی قرآن» (اسماعیلی، ۱۳۹۴)، «نقدی معناشناختی بر ترجمه‌های فارسی واژه «دون» در قرآن کریم» (گلی ملک‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۶) و «چالش‌های معادل‌یابی واژه «مجنون» در ترجمه آیات قرآن کریم بر اساس نظریه معنی در ترجمه» (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۴)، اشاره کرد.

در این مقالات، به بررسی برابرندهای واژگان موردنظر، در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم پرداخته شده و با رویکردهایی چون تاریخی و معناشناختی، معادل‌های معرفی شده در آثار مترجمان و مفسران به بوته نقد نهاده شده است.

۳-۱- سوالات پژوهش

- از نظر آماری، کدام واژه بیش‌ترین کاربرد را به عنوان برابرنهاد واژه عذاب به خود اختصاص داده است؟
- سیر استفاده از برابرندهای مختلف واژه عذاب در برهه‌های مختلف تاریخی چگونه بوده است؟
- مترجمان فارسی قرآن کریم چه واژه‌هایی را به عنوان برابرنهاد واژه عذاب پیشنهاد داده‌اند؟ از این میان، کدام واژه اصیل فارسی، از نظر مفهومی مناسب‌ترین معادل محسوب می‌شود؟

۲- مفهوم عذاب

۲-۱- مفهوم عذاب در لغت

بررسی معنای «عذاب»، در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های عربی، روشن می‌سازد که این مفهوم بر تلفیقی از دو عنصر «مجازات» و «آزردگی جسمی»، دلالت دارد.

ابن فارس، معتقد است که ماده «عذب» بر پنج معنای مختلف دلالت دارد که امکان جمع بین این مفاهیم نیز فراهم نیست (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۲۵۹-۲۶۰):

معنای اول، «گوارا» بودن است که بر آب و نوشیدنی‌ها اطلاق می‌گردد «عَذَبَ الماء يَعْذِبُ عُذُوبَةً، فهو عَذْبٌ: طيبٌ».

معنای دوم، «ترک خوراک از شدت عطش» است که درباره چهارپایان کاربرد دارد «عَذَبَ الحمار يَعْذِبُ عُذْباً و عُذُوباً فهو عاذِبٌ و عُذُوبٌ: لا يأكل من شدة العطش». این معنا، به مرور زمان، گسترش یافته و به معنای «منع و خودداری» تبدیل شده است. کما این‌که فراهیدی بدان اشاره کرده است (۱۴۱۰، ج ۲: ۱۰۲).

معنای سوم که در کلمه «عذوب» نمود دارد، «زیر آسمان بودن و سقفی بالای سر نداشتن» است «العُذُوب: الذي ليس بينه وبين السماء سِتر». معنای چهارم، آزار رساندن است که همیشه در باب تفعیل استعمال می‌یابد و کلمه «عذاب» نیز در همین معنا به کار می‌رود. معنای پنجم، «کناره» است که در تازیانه بیش‌تر کاربرد دارد و عرب، به کناره یا زبانه تازیانه «عَذَبَة» می‌گوید.

فیومی، اصل معنای کلمه عذاب را از «ضرب»، به معنای زدن، می‌داند که به مرور زمان در هر عقوبت دردناکی استعمال شده و استعاره‌ای است از امور سخت و شاق (۱۴۱۴، ج ۲: ۳۹۸).

راغب اصفهانی، معنای این کلمه را «ایجاد درد شدید»، می‌داند (۱۴۱۲: ۵۵۵).

مصطفوی، اصل معنای ماده «عذاب» را «مناسبت با حال و ملائمت با طبع»، معرفی و عنوان داشته که معنای «عذاب» چیزی نیست، جز «آنچه مقتضای حال انسان گناهکار است» (۱۳۶۸، ج ۸: ۶۸).

از سوی دیگر، فیروزآبادی معنای عذاب را با کلمه «نکال» تبیین نموده است (۱۴۱۵، ج ۱: ۱۳۶). «نکال» در اصل، به معنای بازگرداندن است و از آنجا که تنبیه و مجازات بدنی، جنبه بازدارندگی دارد، به آن اطلاق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۵).

زبیدی نیز، عذاب را هم معنای «کیفر و عقوبت» در نظر گرفته و ریشه معنایی آن را «منع» معرفی می کند (۱۴۱۴، ج ۲: ۲۱۲).

۲-۲- مراد از عذاب در قرآن

در قرآن کریم، کلمه «عذاب» و افعال ثلاثی مزید این ریشه در باب تفعیل، معمولاً به چهار مصداق دلالت دارند.

مصادق اول، عذاب اخروی کافران و جهنمیان است. به عنوان مثال در آیه شریفه ﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ﴾ (بقره/۸۵) به صراحت از روز قیامت سخن به میان آمده و مشخص است که مصداق مفهوم عذاب در این آیه، عذاب اخروی است.

مصادق دوم، «عذاب الهی دنیوی و هلاکت اقوام جفاییشه و طغیان گر» است. به عنوان نمونه در آیه شریفه ﴿أَفَأَمِنُوا أَن تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْثَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (یوسف/۱۰۷)، مخالفان دین الهی از رسیدن عذاب الهی تحذیر شده اند و روشن است که مراد از این عذاب، فاجعه ای طبیعی و زیست محیطی است که حیات آن ها را تهدید می کند.

مصادق سوم، «شکنجه» است. آیاتی که به شکنجه بنی اسرائیل توسط فرعون و قومش اشاره دارند، این آزارها را با عبارت «سُوءَ الْعَذَابِ»، توصیف می کنند.

مصادق چهارم نیز، مجازات بدنی خطاکاران به عنوان اجرای حدود الهی است. در آیه دوم سوره نور که مجازات زناکاران تبیین شده، این بعد از مفهوم واژه عذاب به کار رفته

است ﴿الرَّائِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نور/۲).

در ادامه، بررسی خواهیم کرد که آیا مترجمان قرآن، در هنگام معادل‌یابی برای واژه «عذاب»، بین این مصادیق تفاوتی قائل شده‌اند یا خیر.

۳- گستردگی استفاده از خود واژه برای ترجمه

نکته‌ای که از همان ابتدای مرحله فیش‌برداری بر محققان روشن شد، این بود که اکثر قریب به اتفاق مترجمان، در ترجمه واژه عذاب اقدام به معادل‌یابی یا معادل‌سازی ننموده و از خود واژه عربی «عذاب» در ترجمه استفاده کرده‌اند. در واقع، واژه «عذاب» را می‌توان یکی از واژگان دینی دانست که دارای مابه‌ازای مشخص در زبان فارسی نبوده و به همین دلیل، به صورت وام‌واژه وارد زبان فارسی شده است (نک: پاکچی، ۱۳۹۲: ۴۱).

شاید بتوان دلیل دیگر این امر را عدم معادل‌یابی برای این واژه توسط مترجمان متقدم دانست: در ترجمه‌ای که از قرآن براساس تفسیر طبری در قرن چهارم هجری صورت گرفته، در ۹۸ درصد موارد، کاربرد واژه عذاب، از همین کلمه برای ترجمه فارسی استفاده شده است.

اسفراینی در قرن پنجم، به استثنای مواردی چون آیه ۱۲۸ سوره آل‌عمران و استفاده از واژه «عقوبت»، در اکثر قریب به اتفاق موارد، همین روال را در پیش گرفته است. سوراآبادی در همان قرن، به همین شیوه عمل کرده و در غالب موارد، از خود واژه برای ترجمه، بهره برده است. در تفسیر قرآن کمبریج که کتابی است متعلق به همین برهه تاریخی، در برخی موارد از واژه «پادافراه» به معنای «عقوبت و مکافات» به‌عنوان معادل واژه «عذاب» استفاده شده است (به عنوان نمونه: متینی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۲۳).

اما در تفسیر قرآن پاک که تفسیری است متعلق به قرن چهارم یا پنجم هجری، مفسر برخلاف رویه فوق، در موارد اندکی از خود واژه عذاب، استفاده کرده و در اکثر موارد،

کهن واژه «پای‌وه» یا «پای‌واه» به معنی «جزا و مکافات» را به کار برده است که به نظر برخی از دانشمندان، می‌تواند صورت دیگری از واژه «پادافراه» باشد (ر.ک: خامسی هامانه و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۸). البته استفاده از این دو واژه کهن فارسی، در سایر ترجمه‌ها و تفاسیر فارسی پی گرفته نشده است.

ابوالفتوح رازی در قرن ششم، به جز یک استثنا در آیه ۲۸۴ سوره بقره، در مابقی موارد از خود واژه برای ترجمه، بهره برده است. میدی در ۹۸ درصد و نسفی در ۹۴ درصد موارد، همین رویه را در پیش گرفته‌اند.

البته باید توجه داشت که استفاده گسترده از واژگان عربی در ترجمه فارسی قرآن، یکی از ویژگی‌های مشترک ترجمه‌ها در سده‌های میانی هجری است که پاکتچی، احتمال می‌دهد این امر تحت تأثیر دیدگاه امام محمد غزالی، مبنی بر ترجیح به کارگیری عین تعبیر عربی بر معادل فارسی واژگان قرآن، باشد (۱۳۸۷: ۷۶).

در ترجمه به جای مانده از قرن دهم هجری، درصد استفاده از خود واژه عذاب برای ترجمه، به زیر ۹۰ درصد رسیده است. مترجم در ۸۸ درصد موارد، خود واژه عذاب را به کار برده است. روند نزولی بهره‌گیری از خود واژه، در ترجمه شاه‌ولی‌الله دهلوی متعلق به قرن دوازدهم و بروجردی متعلق به قرن سیزدهم باز هم ادامه داشته و به ۸۵ و ۸۲ درصد رسیده است. اما در میان مترجمان معاصر، به جز سه تن (عاملی، آدینه‌وند و مکارم شیرازی)، مابقی مترجمان ترجیح داده‌اند که در اکثر قریب به اتفاق موارد، از خود واژه عذاب برای ترجمه فارسی استفاده نمایند. مکارم شیرازی ۸۰ درصد، آدینه‌وند ۷۸ درصد و در موردی منحصر بفرد، عاملی تنها ۳۰ درصد از موارد کاربرد واژه عذاب را با خود واژه، به فارسی برگردان نموده است.

در یک برآیند کلی، مترجمان مورد بررسی در این پژوهش، در حدود ۹۳ درصد موارد، از خود واژه «عذاب» برای ترجمه استفاده نموده‌اند. جدول زیر نشان‌دهنده درصد استفاده از

بررسی برابرنهادهای واژه «عذاب» در ترجمه های فارسی قرآن کریم _____ مجتبی شکوری و همکاران

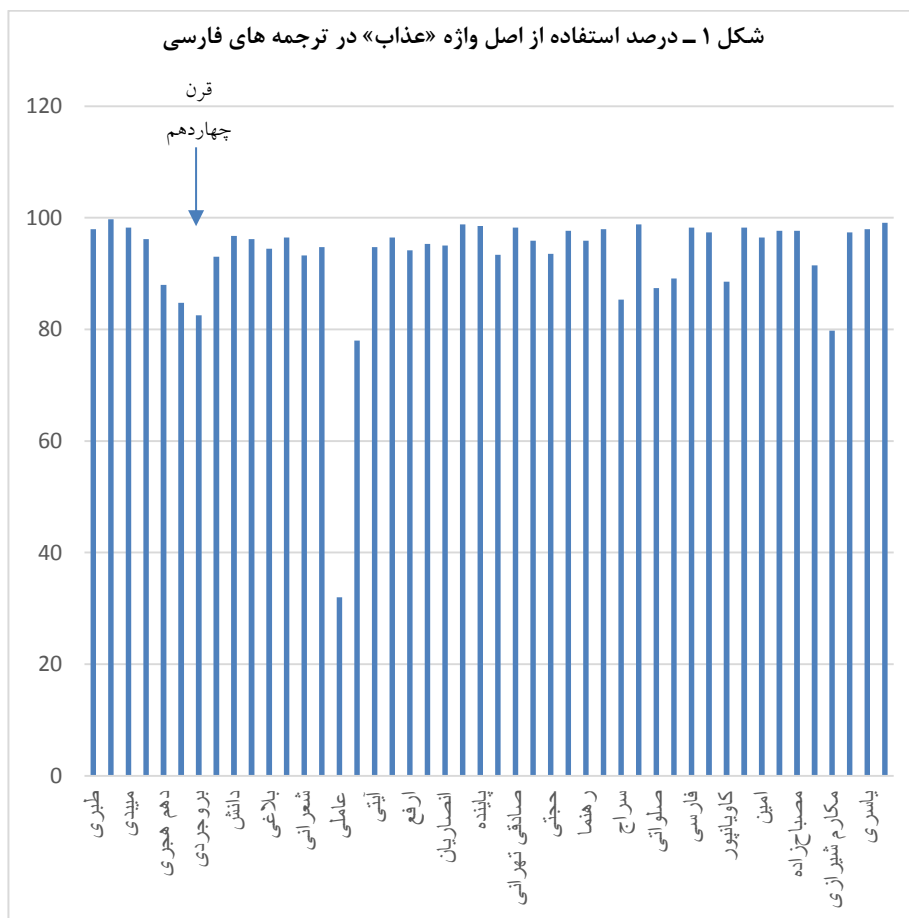
اصل واژه برای ترجمه در ترجمه های فارسی مورد بررسی می باشد. در این جدول، به مرتب سازی ترجمه ها بر اساس زمان تقریبی تألیف توجه شده است.

جدول ۱ - درصد استفاده از اصل واژه عذاب در ترجمه های فارسی

ترجمه ←	بر اساس تفسیر طبری	ابوالفتوح رازی	میددی	نسفی	دهم هجری	دهلوی	بروجردی	الهی قمشهای	دانش (تفسیر کاشف)
درصد	۹۷,۹۵	۹۹,۷۱	۹۸,۲۴	۹۶,۱۶	۸۷,۹۷	۸۴,۷۵	۸۲,۵۱	۹۳	۹۶,۷۷
ترجمه	رضاخانی و... (بیان السعادة)	بلاغی	خسروی	شعرانی	صفی - علی شاه	عاملی	آدینهوند	آیتی	قرشی
درصد	۹۶,۱۹	۹۴,۴۳	۹۶,۴۸	۹۳,۲۶	۹۴,۷۲	۳۲	۷۷,۹۹	۹۴,۷۵	۹۶,۴۸
ترجمه	ارفع	امینیان	انصاریان	برزی	پاینده	پورجوادی	صادقی تهرانی	خرمدل	حجتی
درصد	۹۴,۱۹	۹۵,۳۰	۹۵,۰۱	۹۸,۸۳	۹۸,۵۳	۹۳,۳۵	۹۸,۲۴	۹۵,۸۹	۹۳,۵۵
ترجمه	رضایی	رهنما	تغفی تهرانی	سراج	صفوی	صلواتی	طاهری	فارسی	فولادوند
درصد	۹۷,۶۵	۹۵,۸۹	۹۷,۹۵	۸۵,۳۴	۹۸,۸۳	۸۷,۳۹	۸۹,۱۵	۹۸,۲۴	۹۷,۳۶
ترجمه	کاویانپور	گرمارودی	امین	مشکینی	مصباح - زاده	معزی	مکارم شیرازی	نوبری	یاسری
درصد	۸۸,۵۶	۹۸,۲۴	۹۶,۴۸	۹۷,۶۵	۹۷,۶۵	۹۱,۵	۷۹,۷۷	۹۷,۳۶	۹۷,۹۵
ترجمه	مرکز فرهنگ و معارف قرآن	امیری شادمهری	موسوی	تشکری	حداد عادل				
درصد	۹۹,۱۲	۸۲,۰۳	۹۶,۲۳	۹۳,۵۵	۹۵				

نمودار زیر می تواند سیر استفاده از واژه اصلی برای ترجمه را بهتر نشان دهد. همان طور که ملاحظه می شود، تا قرن سیزدهم هجری، استفاده از اصل واژه، سیر نزولی دارد، اما این

سیر، در قرن چهاردهم هجری و سده معاصر، شکسته شده و از الگوی خاصی پیروی نمی- کند.



البته استفاده از خود واژه برای ترجمه، محدود به ترجمه های فارسی نمی گردد؛ چرا که در ترجمه های ترکی قرآن کریم نیز همین امر مشاهده می گردد. قدری چلیک و عبدالباقی گولپینارلی، مترجمان ترک زبان قرآن کریم، در اکثر موارد وام واژه «azap» را به عنوان معادل «عذاب» به کار برده اند (به عنوان مثال: بقره/۸۶؛ آل عمران/۱۲۹؛ نساء/۱۵۱ و...).

اشکال استفاده از خود واژه برای ترجمه، در آنجاست که مفهوم «عذاب» در فارسی کاملاً با مفهوم این کلمه در زبان عربی هم‌ارز نیست. پیش‌تر گفته شد که «عذاب» در زبان عربی و مخصوصاً در قرآن کریم، مفهومی است که از دو مؤلفه اصلی «رنج و آزار جسمی» و «مجازات شدن در برابر کار اشتباه»، تشکیل شده است. در کاربردهای مختلف این واژه در قرآن، به تناسب بافت کلام، یکی از جنبه‌های این مفهوم بر دیگری چیره می‌شود. اما «عذاب» در فارسی، بیش‌تر از آن‌که ناظر بر عقوبت جسمی باشد، بر رنج‌های روحی و روانی اطلاق می‌شود که عنصر مجازات شدن هم، چندان در آن پررنگ نیست. دهخدا علاوه بر آن‌که مفهوم عذاب را «شکنجه، رنج و هر آنچه دشوار باشد، بر انسان و او را از قصدش باز دارد»، معرفی نموده، به ذکر نمونه‌هایی از کاربرد این واژه در ادبیات کهن (همچون: و بایاد دانست که اطراف عالم پر بلا و عذاب است (کلیله و دمنه))، پرداخته که تأیید کننده نکته ذکر شده، است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰: ۱۵۷۷۶).

فرهنگ فارسی معین، معنی واژه عذاب را «شکنجه، آزار، درد و رنج»، دانسته است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۵۵). همچنین است فرهنگ فارسی عمید (عمید، ۱۳۸۹: ۷۵۵).

بررسی کاربردهای کهن و متأخر این واژه در اشعار شاعران فارسی نیز، به روشنی بر این مطلب گواهی می‌دهد. رودکی شاعر قرن سوم هجری، از این واژه برای نشان دادن درد هجران استفاده کرده است «القصه که از بیم عذاب هجران/ در آتش رشکم دگر از دوزخیان» (۱۳۷۶: ۱۲۲).

فرخی سیستانی، در قرن چهارم، عذاب را در کنار رنج روحی ناشی از عشق، نشانده است «عشق سر تا به سر عذاب و عناست» (بی‌تا: ۶۵). جلال الدین مولوی، در قرن هفتم، عذاب را برای توصیف رنج ناشی از دوری، به کار برده است: «پوستی‌ام دور مانده من ز دوست/ چون نالم در فراق و در عذاب» (۱۳۸۶، ج ۱: ۱۱۶).

حافظ شیرازی نیز، از عذاب برای توصیف حالتی روحی استفاده کرده است: «روح را صحبت ناجنس عذابی است الیم» (۱۳۷۹: ۳۵۷). از شاعران معاصر، می‌توان ملک‌الشعرا

بهار را نمونه آورد که می‌گوید «به مستی فکر بد جان را عذاب است» (بهار، مثنوی شماره ۲۵).

نمونه‌های فوق، نشانگر آن است که «عذاب» در فارسی بیش‌تر به سمت مفهوم «رنج، سختی و شکنجه روحی روانی»، گرایش پیدا کرده و چندان انتقال‌دهنده مؤلفه «مجازات» نیست.

نکته دیگر آن‌که، خاستگاه فکری و ادبی مترجمان معاصر را هم نمی‌توان در میزان استفاده از واژه‌های فارسی برای ترجمه، مؤثر دید. چنان‌که مکارم شیرازی با خاستگاهی حوزوی، در کم‌تر از ۸۰ درصد موارد از واژه «عذاب»، برای ترجمه استفاده کرده، اما فولادوند، گرمارودی و حداد عادل که هر سه به عنوان شخصیت‌های ادبی-دانشگاهی محسوب می‌شوند، در بیش از ۹۵ درصد موارد، از واژه اصلی، برای ترجمه بهره برده‌اند.

۴- برابر نهادهای دیگر واژه عذاب

همان‌طور که ذکر شد، اکثر مترجمان فارسی قرآن کریم در اکثر موارد، از خود واژه عذاب برای انتقال مفهوم، استفاده نموده‌اند و از این نظر، چندان نمی‌توان این یافته را در نیل به هدف این تحقیق مثر ثمر دانست. حال باید دید، مترجمان در معدود مواردی که از واژگان دیگری برای ترجمه «عذاب» استفاده کرده‌اند، به چه واژگانی تمسک جسته‌اند.

یافته‌های این تحقیق، نشان می‌دهد به جز مترجمانی چون عاملی که سعی داشته‌اند کم‌تر از واژگان عربی استفاده کنند، مابقی مترجمان، اکثراً در آیاتی از معادل‌های دیگر عذاب استفاده کرده‌اند که این واژه، دو بار در آیه تکرار شده است. در واقع بیش‌تر برابر نهادهای دیگر واژه عذاب که در ترجمه‌ها استفاده شده، اغلب برای حفظ ظاهر ادبی ترجمه و جلوگیری از تکرار واژه در یک آیه، بوده است. به عنوان مثال، آدینه‌وند حدود ۷۰ بار از واژه‌ای غیر از «عذاب» برای ترجمه این واژه استفاده کرده که از این میان، ۲۲ بار در آیاتی بوده که ماده عذاب دو بار در آن تکرار شده است. حداد عادل نیز ۱۷ بار از واژه‌ای

غیر از «عذاب»، بهره برده که ۸ بار آن در آیاتی بوده که کلمه «عذاب» دو بار در آن به کار رفته است.

آیه ۱۶۵ سوره بقره نمونه‌ای از این آیات است: ﴿وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرْوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾. آدینه‌وند این آیه را بدین صورت ترجمه نموده است: «و آن‌ها که ستم کردند هنگامی که عذاب خداوند را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمام قدرت بر دست خداست و او دارای مجازات شدید است». بسیاری از مترجمان دیگر نیز، در این آیه از واژگان دیگر برای ترجمه واژه «عذاب»، در کاربرد دوم استفاده کرده‌اند:

- گرمارودی: و کاش کسانی (که با گزینش بت‌ها) به خود ستم کردند آن‌گاه که عذاب را (در رستخیز) می‌نگرند، دریابند که تمام توان (ها) از آن خداوند است و اینکه خداوند سخت‌کیفر است.
 - ثقفی تهرانی: و اگر به‌بینند آنان که ستم نمودند هنگامیکه می‌بینند عذاب را آن‌که قوت مر خدا را است تمامی و آن‌که خداوند سخت عقوبت است.
 - معزی: و اگر می‌دیدند آنان که ستم ورزیدند گاهی که بینند عذاب را آن‌که نیرو از آن خدا است همگی و آن‌که خدا است سخت شکنجه.
 - حداد عادل: و ای کاش ستمکاران می‌دانستند هنگامی که عذاب الهی را مشاهده کنند قدرت یکسره از آن خداست و به راستی که خداوند سخت‌کیفر است.
- آیه ۳۳ سوره انفال هم، از این جهت مشابه مورد فوق است: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾. در ادامه، ترجمه سه تن از مترجمان را مشاهده می‌کنید که در کاربرد دوم ماده عذب از خود واژه و در کاربرد اول از واژه‌ای دیگر برای ترجمه استفاده نموده‌اند:
- کاویانپور: ولی تو تا در میان آن‌ها هستی، خدا آن‌ها را (بخاطر احترام تو) مجازات نخواهد کرد و تا آمرزش می‌خواهند، خدا عذابشان نمیکند.

- حجتی: اما خداوند تا تو در میان آنها هستی آنها را مجازات نخواهد کرد و نیز تا استغفار می کنند خدا عذابشان نمی کند.
- طاهری: ولی خدا بر آن نیست که در حالی که تو در میان آنها [به هشدار و بشارت پرداخته] ای، مجازاتشان کند؛ و در حال استغفار نیز خدا عذابشان نخواهد کرد.

در کنار عنایت به نکته فوق، برخی از مترجمان از واژگان دیگری به جز خود واژه، به عنوان برابرنهاد واژه عذاب استفاده کرده اند که در ادامه به این واژگان می پردازیم.

۴-۱- مجازات

پس از خود واژه عذاب، پرکاربردترین واژه ای که به عنوان برابرنهاد این واژه در ترجمه های فارسی آمده، واژه «مجازات» است. هرچند این واژه عربی است، اما در فارسی مفهومی برابر با «پاداش دادن» و «کیفر دادن» دارد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۲۰۲۸۳؛ عمید، ۱۳۸۹: ۹۱۶). در مفهوم امروزی این کلمه، بیش تر بر این عنصر تأکید می شود که در ازای کار اشتباهی، فرد خاطی با واکنشی قانونی یا هنجاری مواجه می گردد. یعنی در این کلمه، بعد حقوقی و عکس العملی عذاب بر بعد آزار و رنج بدنی آن، برتری دارد. اما در مفهوم اصلی و عربی واژه، تنها بحث جزا دادن به کارها، اعم از نیک و بد، مطرح است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶: ۱۶۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ۱۴۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۴۵۵). در برآیند کلی، آدینه وند، مکارم شیرازی و گروه مترجمان تفسیر جوامع الجامع، بیش تر از دیگران از این واژه بهره برده اند. به عنوان نمونه، عبارت ﴿وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (بقره/۹۰)، توسط این مترجمان به صورت زیر ترجمه شده است:

- آدینه وند: «و برای کفار است مجازاتی خوارکننده»
- مکارم شیرازی: «و برای کافران مجازاتی خوارکننده است»
- امیری شادمهری: «و برای کافران مجازاتی خوار کننده است».

البته باید یادآور شد که استفاده از این واژه به عنوان معادلی برای واژه «عذاب»، تنها در دو قرن سیزدهم و چهاردهم هجری مرسوم شده و تا پیش از دوران معاصر، مترجمان فارسی قرآن کریم حتی یک بار هم از این کلمه به عنوان برابرنهاد «عذاب» استفاده نکرده‌اند. در ترجمه مقتبس از تفسیر طبری، واژه «مجازات» در هیچ جای ترجمه به کار نرفته است. در تفسیر ابوالفتح رازی، از این واژه در بخش تجزیه و ترکیب آیات و هم‌معنا با مفهوم «شرط»، استفاده شده (به عنوان نمونه: ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰: ۱۰۶)، اما در ترجمه آیات، کاربردی برای این واژه مشاهده نمی‌شود. میددی در تفسیر کشف‌الاسرار، از واژه «مجازات» در معنای جزا و پاداش استفاده کرده و جنبه منفی برای آن در نظر نگرفته است. به عنوان مثال در تفسیر آیه اول سوره انبیا می‌گوید: «نزدیک آمد وقت محاسبیت بندگان و مجازات ایشان بر اعمال نیک و بد ایشان...» (میددی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۲۱۰).

نسفی، در کل تفسیرش تنها دو بار از این واژه در معنای مکافات و جزای عمل استفاده کرده است (۱۳۷۶، ج ۱: ۱۷۰ و ۴۷۸). در ترجمه قرآن به جای مانده از قرن دهم هجری و ترجمه شاه ولی‌الله دهلوی نیز، هیچ کاربردی از واژه مجازات دیده نمی‌شود. این سیر نشان می‌دهد که استفاده از واژه عربی «مجازات»، به معنای «عقوبت و کیفر» در زبان فارسی، در سده اخیر متداول شده و پیش از آن، کاربرد این واژه در زبان فارسی چندان مرسوم نبوده است.

۴-۲- شکنجه

واژه «شکنجه»، یکی از واژگان کهن فارسی به معنای «آزار و اذیت دادن» است. دهخدا از کاربرد این واژه در کلیله و دمنه و دیوان خاقانی یاد کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۴۴۱۰). در فرهنگ فارسی عمید، معنای این واژه این‌گونه تشریح شده است: «آزار دادن کسی برای تنبیه، گرفتن اقرار یا واداشتن به کاری» (عمید، ۱۳۸۹: ۷۰۶).

در ترجمه قرآن معروف به ترجمه تفسیر طبری که می‌توان آن را قدیمی‌ترین ترجمه فارسی موجود از قرآن دانست، ۱۲ بار از واژه شکنجه به عنوان معادل واژه «عذاب» استفاده

شده است. جالب آن که تمامی این کاربردها، در دو سوره انفال و توبه قرار دارد. در سایر سوره‌ها، نه تنها از این واژه به عنوان معادل واژه «عذاب» استفاده نشده، بلکه کلاً به جز این موارد، واژه «شکنجه» به عنوان معادل واژه‌های دیگر نیز به کار نرفته است. احتمال می‌رود که مترجمان، کار ترجمه را بین خود تقسیم کرده و مترجم دو سوره فوق‌الذکر یک نفر بوده که بر معادل دانستن واژه «شکنجه» با «عذاب» اصرار داشته است.

ابوالفتوح رازی و میبدی در ترجمه‌های خود از واژه «شکنجه» استفاده نکرده‌اند. نسفی دو بار از این واژه استفاده کرده، اما نه در ترجمه، بلکه در تفسیر آیات (۱۳۷۶، ج ۲: ۷۵۱ و ۱۰۷۵).

در ترجمه متعلق به قرن دهم هجری، ۳۴ بار از واژه «شکنجه» در برابر واژه «عذاب» استفاده شده است. به عنوان مثال آیه ﴿فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ﴾ (غاشیه/۲۴)، به صورت زیر ترجمه شده است: «پس شکنجه کند او را خدای، شکنجه بزرگ‌تر». بررسی موارد ترجمه شده نظم خاصی در انتخاب کلمات را نشان نمی‌دهد.

در میان مترجمان معاصر، سراج ۴۷ بار و معزی ۳۰ بار از واژه «شکنجه» استفاده نموده‌اند. سراج در ترجمه خود، هم برای عذاب‌های دنیوی و هم عذاب‌های اخروی از واژه «شکنجه» استفاده کرده است.

در آیه ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (بقره/۲۰۱) که به عذاب اخروی اشاره دارد، سراج از این واژه بهره برده است: «و برخی دیگر از مردم کسی است که می‌گوید پروردگارا بده بما در این سرای نیکوئی و در سرای دیگر نیکوئی و نگهدار ما را از شکنجه آتش دوزخ این گروه». واژه «عذاب» در آیه ﴿وَلِيُشْهِدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نور/۲)، به عذاب و مجازات دنیوی اشاره دارد که سراج در این آیه هم از واژه «شکنجه» استفاده نموده است: «و باید بنگرند شکنجه آن دو تن را گروهی از مؤمنان». معزی نیز از این نظر تفاوتی با سراج ندارد. وی در ترجمه آیه ﴿أَفَأَمِئُوا أَن تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (یوسف/۱۰۷) که به

عذاب دنیوی اشاره دارد، واژه «شکنجه» را به کار برده است: «پس آیا ایمن شدند که بیایندشان فراگیرنده‌ای از شکنجه خدا یا بیایندشان ساعت ناگهان حالی که درنیابند ایشان». در آیه ﴿ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ﴾ (دخان/۴۸)، واژه «عذاب» به عذاب اخروی دلالت دارد که معزی در ترجمه آن از «شکنجه» استفاده نموده است: «پس بریزید بر سرش از شکنجه آب جوشان». آیه ۳۰ سوره احزاب از جمله ۹ آیه‌ای است که هر دو مترجم در آن، واژه «عذاب» را به «شکنجه» برگردان نموده‌اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ﴾.

- سراج: ... بلکه آنان که ایمان نمی‌آورند بسرای آخرت در شکنجه (آن سرای) و در گمراهی دور (از حق) اند.

- معزی: ... بلکه آنان که باور ندارند بازپسین را در شکنجه و گمراهی دورند. از میان مترجمان معاصر، اکثر آن‌ها کمابیش از این واژه به عنوان معادلی برای «عذاب» استفاده نموده‌اند. برخی نیز همچون امینیان، برزی، پاینده، حجتی، رضایی، صفوی، صلواتی، کاویانپور، گرمارودی و یاسری در کل ترجمه، هیچ‌گاه از واژه «شکنجه» برای رساندن مفهوم «عذاب» بهره نبرده‌اند.

۳-۴- کیفر

پس از دو واژه «مجازات» و «شکنجه»، سومین واژه پرکاربرد در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم به عنوان معادل واژه عذاب، واژه «کیفر» است. این واژه فارسی، در اصل به معنای جزا و مکافات اعمال است که در اکثر استعمال‌های آن در متون کهن و جدید، به عنوان واژه‌ای برای مفهوم «مکافات و سزای بدی»، به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲: ۱۸۸۳۳؛ معین، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۴۲۳). در گفتمان حقوقی معاصر، از واژه «کیفرخواست» به عنوان ادعانامه دادستان، استفاده می‌شود که نشان‌دهنده بار منفی واژه «کیفر» است.

در میان ترجمه‌های پیش از قرن سیزدهم هجری، تنها ابوالفتح رازی دو بار از این واژه، آن هم در تفسیر و نه ترجمه آیات، استفاده کرده است (۱۴۰۸، ج ۵: ۷۸؛ ج ۱۷: ۴۹). مابقی

مترجمان کهن و متقدم، هیچ کدام از این واژه در ترجمه خویش استفاده نکرده‌اند. لذا به نظر می‌رسد استفاده از واژه «کیفر»، با آن‌که واژه‌ای فارسی و کهن به شمار می‌رود، در میان مترجمان فارسی مرسوم نبوده است.

الهی قمشه‌ای با این‌که از واژه «کیفر» در ترجمه خود استفاده نموده، اما هیچ‌گاه این واژه را به عنوان معادلی برای واژه «عذاب» در نظر نگرفته است. بلکه، بیش‌تر برای نشان دادن مفهوم «جزا»، این کلمه را به کار برده است. به عنوان مثال، وی آیه ﴿فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (بقره/۵۹) را این‌چنین ترجمه کرده است: «و ما بر آن ستمکاران به کیفر بدکاری و نافرمانی آن‌ها عذابی سخت از آسمان نازل کردیم». همان‌طور که مشاهده می‌شود، وی علاوه بر آن‌که از واژه کیفر برای توضیح مفهوم مجازات در این عبارت استفاده نموده، به عنوان برگردان واژه «رجز» نیز، از واژه «عذاب» بهره برده است.

بروجردی در ترجمه خویش، ۲۱ بار از واژه «کیفر» به عنوان معادل واژه «عذاب» استفاده کرده است. البته او در ۱۶ آیه از این واژه در کنار واژه «عذاب» یا «مجازات» بهره برده است. به عنوان مثال، وی آیه ﴿يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَنَّ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا﴾ (مریم/۴۵) را این‌گونه ترجمه نموده است: «ای پدر من از آن می‌ترسم که از طرف پروردگار مستوجب کیفر و عذاب شده و از دوست داران شیطان باشی». یا در ترجمه آیه ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ﴾ (احزاب/۳۰) می‌گوید: «ای زنان پیغمبر اگر هر یک از شما مرتکب عمل ناروایی شود خداوند دو برابر دیگران او را کیفر و مجازات می‌فرماید». از این کاربردها می‌توان دریافت که از نظر این مترجم، واژه «کیفر» به صورت کامل منتقل‌کننده معنا و مفهوم «عذاب» نبوده است.

در ترجمه صلواتی، تعداد کاربردهای این واژه به عدد ۳۸ رسیده است. البته او کارکرد این واژه در رساندن مفهوم عذاب را کامل می‌دیده و در همه موارد کاربرد، به صورت مفرد از این کلمه استفاده نموده است. به عنوان مثال، در ترجمه عبارت ﴿وَلَا تُدْرِكُهُمُ الْعَذَابُ﴾ (غلیظ/۵۰) می‌گوید: «و به آنان می‌چشانیم کیفری پردرد». کاربردی که تا زمان وی

بی سابقه بوده و در میان هم‌عصران او نیز هیچ کس این عبارت را این گونه برگردان ننموده است.

آدینه‌وند، امینیان، انصاریان، برزی، پورجوادی، صادقی تهرانی، تشکری، خرم‌دل، حجتی، رضایی، رهنما، صفوی، طاهری، فارسی، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی، مکارم شیرازی، حداد عادل و گروه مترجمان تفسیر جوامع‌الجامع، مترجمانی هستند که در سده حاضر، از واژه «کیفر» به صورت کاربردهای محدود و معدود در ترجمه قرآن خویش، استفاده کرده‌اند.

۴-۴- عقوبت

این واژه، در عربی از ماده «عقب» به معنای «ادامه و پشت»، بوده و به جزای اعمال بد، اطلاق می‌گردد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۸۰؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۱: ۲۴۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۵). در فارسی نیز به همین معنا به کار می‌رود (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۰۸۱؛ عمید، ۱۳۸۹: ۷۶۲). واژه «عقوبت» نیز، از نظر تعداد کاربرد در ترجمه‌های فارسی، در ردیف واژه «کیفر» قرار می‌گیرد. با این تفاوت که نیمی از کاربردهای این واژه به عنوان معادل واژه «عذاب»، متعلق به پیش از قرن سیزدهم است. بدین معنا که مترجمان معاصر، اقبال کم‌تری به این واژه نسبت به مترجمان متقدم داشته‌اند. استفاده از این واژه تا پیش از قرن سیزدهم، سیر صعودی دارد. ابوالفتوح رازی، با آن‌که به کرات از این واژه در تفسیر خویش بهره برده، اما تنها یک بار در ترجمه آیه ﴿فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره/۲۸۴)، از این کلمه به عنوان معادل ماده «عذب»، استفاده کرده است: «ببامرزد آن را که خواهد و عقوبت کند آن را که خواهد، و خدای بر همه چیز تواناست».

نسفی، ۶ بار در ترجمه واژه عذاب از واژه «عقوبت» استفاده کرده است. به عنوان مثال در ترجمه آیه ﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ (انعام/۴۹)، به عنوان تنها مترجمی که «عذاب» در این آیه را «عقوبت» ترجمه کرده، می‌گوید: «و آن‌ها که کفر

آرند و نکرت، برسد به ایشان عقوبت، بدانچه می‌آرند از کفر و معصیت». مترجم ناشناس قرن دهم هجری نیز، ۸ بار این واژه را به عنوان معادل «عذاب» به کار برده است. شاه‌ولی‌الله دهلوی، مترجم متعلق به قرن دوازدهم هجری، بیش‌ترین تعداد کاربرد این کلمه به عنوان معادل «عذاب» را، داشته است. او ۵۱ بار این کلمه را به عنوان برابر نهاد واژه «عذاب» به کار برده است. اما در قرن سیزدهم و چهاردهم، میزان کاربرد واژه در ترجمه‌های قرآن، سیر نزولی پیش می‌گیرد. به طوری‌که به جز شعرانی و بلاغی که به ترتیب ۲۰ و ۵ بار از این واژه بهره برده‌اند، مابقی مترجمان، یا به طور کلی از آن استفاده ننموده و یا همچون آیتی، الهی قمشه‌ای و بانو امین، زیر ۵ بار آن را به کار برده‌اند.

۴-۵- آزار

واژه «آزار» نیز، معادلی است که توسط برخی از معاصران، برای واژه «عذاب» در نظر گرفته شده است. از نظر تاریخی، تا قرن چهاردهم، هیچ‌یک از مترجمان فارسی‌زبان، از این واژه برای انتقال مفهوم «عذاب» بهره نبرده‌اند. اما در این قرن، مترجمانی چون شعرانی، ارفع، امینیان، بروجرودی، حجتی، فارسی، مصباح‌زاده و مکارم شیرازی یک بار، پورجوادی و آیتی دو بار و در موردی خاص، عاملی، ۱۸۷ بار این واژه را به عنوان معادل واژه «عذاب» برگزیده‌اند. از نظر تعداد و برآورد کلی، این واژه، پس از واژه «مجازات»، پرکاربردترین معادل برای واژه «عذاب» است، اما از آن‌جا که واژه‌های «شکنجه»، «کیفر» و «عقوبت» توسط مترجمان، بیش‌تر و به صورت گسترده‌تری کاربرد داشتند، این واژه در رده پنجم معادل‌های واژه عذاب، معرفی می‌گردد.

به جز عاملی، مترجمانی که این واژه را به عنوان برابر نهاد واژه عذاب برگزیده‌اند، تنها در یک یا دو مورد به این امر مبادرت نموده‌اند. آیه ﴿وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ﴾ (ص/۴۱)، آیه‌ای است که شعرانی و مصباح‌زاده، ترجیح داده‌اند به جای واژه «عذاب»، از واژه «آزار»، برای رساندن مفهوم رنج جسمانی بهره ببرند. چرا که مراد از عذاب در این آیه، حال جسمانی بدی است که بدن حضرت ایوب (ع) را

فرا گرفته بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۲۰۸). نکته جالب توجه آن است که مفهوم عذاب در این آیه، به مفهومی که در زبان فارسی از واژه عذاب به ذهن متبادر می شود، نزدیک تر است. بدین معنا که مفهوم واژه در این آیه، ناظر بر بعد آزار جسمانی است و رگه های تأثیر مفهوم «مجازات» در آن مشاهده نمی شود. آدینه وند، آیتی، ارفع، بروجردی، پورجوادی، عاملی و طاهری، ماده عذب در آیه ﴿فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ﴾ (طه/۴۷) را، با واژه «آزار»، برگردان نموده اند. در این آیه، مراد از عذاب، شکنجه هایی است که فرعون بر بنی اسرائیل تحمیل کرده است. آیتی، علاوه بر این، در آیه ﴿يُسْأَلُونَكَ شِوَاءَ الْعَذَابِ وَ يُدَّبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾ (ابراهیم/۶۷) نیز، که شرح حال آزارهایی است که توسط فرعون بر بنی اسرائیل اعمال می شد، از این واژه استفاده کرده است. همین مضمون در آیه ﴿وَ إِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ شِوَاءَ الْعَذَابِ﴾ (بقره/۴۹)، تکرار شده و پورجوادی، حجتی، فارسی، طاهری، عاملی و مکارم شیرازی، برای برگردان واژه «عذاب» در این آیه، از واژه «آزار» استفاده نموده اند.

همان طور که گفته شد، عاملی، تنها مترجمی است که برای برگردان واژه «عذاب»، عمدتاً از واژه ای غیر از خود «عذاب» استفاده کرده است. وی، در بیش از نیمی از کاربردهای واژه عذاب، از واژه «آزار» برای ترجمه استفاده نموده است. بررسی موارد کاربرد این واژه در این ترجمه، نشان می دهد که این مترجم، ملاک خاصی برای واژه گزینی در این مورد خاص نداشته است. او در آیه ﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ﴾ (توبه/۱۴) که به عذاب الهی دنیوی اشاره دارد، از واژه آزار برای ترجمه بهره برده است: «با این کافران بجنگید که خدا آنان را به دست شما آزار دهد ...». در آیه ﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾ (توبه/۶۷) که مراد از عذاب در آن، عذاب الهی اخروی است، باز هم از واژه «آزار» استفاده نموده است: «خدا به مرد و زن منافق و کافران آتش دوزخ وعده کرده که جاودان در آن بمانند و همان بس شان باشد که خدا لعنت شان کرده است و آزاری پایدار دارند». همچنین در آیه ﴿قَالَ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ

بِأَهْلِكَ شَوْءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (یوسف/۲۵) که به شکنجه دنیوی اشاره دارد، باز هم واژه «آزار» را به کار برده است: «زن گفت: سزای آن‌که از خانواده تو بد بخواهد جز زندان و یا آزاری دردناک نباشد». حال آن‌که در آیات دیگری که ماده عذب در بافتی مشابه موارد فوق به کار رفته، از خود واژه «عذاب» استفاده کرده است (به عنوان مثال: عذاب الهی دنیوی (نحل/۱۱۳)، عذاب اخروی (اسراء/۱۰)، شکنجه دنیوی (کهف/۸۶)). این تشتت کاربردها، نشان می‌دهد استفاده توأمان عاملی از واژه‌های «آزار» و «عذاب» کاملاً سلیقه‌ای و بدون معیار مشخص بوده است.

نکته دیگر آن‌که، بررسی آماری موارد کاربرد واژه‌های «عذاب» و «آزار» در ترجمه عاملی، روشن‌کننده آن است که وی در ده جزء اول و ده جزء آخر قرآن کریم، بیش‌تر از واژه «آزار» و در ده جزء میانی، بیش‌تر از خود واژه «عذاب» استفاده کرده است.

۴-۶- گرفتاری

تأکید بر استفاده از واژگان فارسی، باعث شده که عاملی، در ۳۷ مورد از موارد کاربرد ماده عذب، از مصدر «گرفتاری»، برای ترجمه استفاده نماید. به عنوان مثال در ترجمه آیه ﴿وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ عَقِيمٍ﴾ (حج/۵۵)، وی، واژه «گرفتاری» را به عنوان معادل «عذاب» برگزیده است: «[ولی] کافران همیشه از این قرآن و آیاتش دو دل هستند تا که ناگهان رستاخیزشان برسد یا گرفتاری روز عقیم و سترون که خوشی از پس آن نیست، بر سرشان آید». همین اتفاق در دو آیه بعد از آیه فوق-الذکر هم دیده می‌شود: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ (حج/۵۷): «و آن‌ها که کافر شدند و آیات حق را دروغ شمردند برای‌شان گرفتاری است بخواری». عاملی برخی از افعال مشتق از این ماده را نیز با مصدر گرفتاری ترجمه نموده است. به عنوان نمونه او در ترجمه آیه ﴿يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ﴾ (عنکبوت/۲۱) می‌گوید: «و او است که هر کس را بسرنوشت معین کرده گرفتار می‌کند و آن‌را که بخواهد می‌بخشد».

البته، استفاده از مفهوم «گرفتن و گرفتاری» برای برگردان مفهوم «عذاب»، بدون سابقه نیست. از میان مترجمان متقدم، میدی، ۶ بار از این واژه استفاده نموده است. وی در آیه پرتکرار سوره قمر ﴿فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَ نُذُرِي﴾ (قمر/۱۶۷، ۱۸، ۲۱ و ۳۰)، واژه «عذاب» را به «گرفتن»، برگردان نموده است: «چون بود گرفتن من و بترسانیدن من». در کاربردی دیگر، وی، فعل «يُعَذِّبُ» در آیه ﴿وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ﴾ (مجادله/۸) را، این چنین ترجمه کرده است: «و با خود می گویند در دل های خویش: چونست که خدای ما را به آنچه می گوئیم بنمی گرداند». همچنین، برای تبیین مفهوم «عذاب»، در آیه ﴿فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا﴾ (نبأ/۳۰)، از تلفیق این واژه با واژه «گرفتاری» بهره برده است: «و نفزائیم شما را مگر عذاب و گرفتاری».

در میان معاصران نیز آدینه‌وند، ارفع، پورجوادی، خرم‌دل، حجتی، طاهری، کاویانپور، مکارم شیرازی، موسوی و حداد عادل، از مترجمانی هستند که به تعداد انگشتان دو دست یا کم‌تر، از مصدر «گرفتاری»، برای برگردان واژه «عذاب»، استفاده نموده‌اند. البته باید خاطرنشان ساخت که اکثر این کاربردها، هنگامی رخ داده که ماده عذب، دو بار و به صورت بی‌درپی در آیه به کار رفته و مترجمان برای جلوگیری از تکرار لفظ، از مصدر «گرفتاری» در ترجمه، بهره جسته‌اند. به عنوان مثال، مترجمان زیر، آیه ﴿فَحَاسِبُنَا حِسَابًا شَدِيدًا وَ عَذِّبْنَا عَذَابًا تُكْرَأُ﴾ (طلاق/۸) را این گونه ترجمه نموده‌اند:

- آدینه‌وند: و ما حساب آن‌ها را به شدت رسیدیم و به مجازات کم‌نظیری گرفتار ساختیم.
- ارفع: و ما به شدت به حساب آن‌ها رسیدیم و به عذاب بی‌سابقه‌ای گرفتار ساختیم.
- موسوی: در نتیجه ما آن‌ها را به حساب سختی محاسبه نموده به عذابی عجیب گرفتار کردیم.
- حجتی: و در نتیجه ما آن‌ها را به حساب سختی محاسبه کردیم و آن‌ها را به عذابی عجیب گرفتار ساختیم.

- طاهری: و از آنان بسختی حساب کشیدیم، و به عذابی غیر عادی گرفتارشان کردیم.
- مکارم شیرازی: و ما بشدت به حسابشان رسیدیم و به مجازات کم‌نظیری گرفتار ساختیم.

۴-۷- بلا و ابتلا

مشابه مورد پیشین، برخی از مترجمان، در موارد تکرار ماده عذب، در یک آیه، از مفهوم «بلا و ابتلا» برای پیشگیری از تکرار واژه عذاب، استفاده کرده‌اند. خسروی، همان فراز از آیه ۸ سوره طلاق را این‌چنین به فارسی برگردانده است: «ما هم حساب آن‌ها را بسختی رسیدیم و به عذاب فظیع و منکر و سختی آن‌ها را مبتلا ساختیم». ارفع در ترجمه آیه ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذَّيْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (آل عمران/۵۶)، از مصدر ابتلا استفاده نموده است: «و اما آن‌هایی که کافر شدند، به عذابی سخت در دنیا و آخرت مبتلایشان می‌کنم».

آیتی، آیه ﴿وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لَمَ تَعْظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا﴾ (اعراف/۱۶۴) را این‌چنین ترجمه نموده است: «و آن‌گاه که گروهی از ایشان گفتند: چرا قومی را پند می‌دهید که خدا هلاک‌شان خواهد کرد و به عذابی دردناک مبتلا خواهد ساخت». کاربردهای این‌گونه در موارد مشابه توسط خرم‌دل، کاویانپور، مکارم شیرازی، نوبری، سلطان‌علی‌شاه و موسوی هم، صورت گرفته است. در این میان، بروجردی در برخی موارد، واژه عذاب را مستقیماً به «بلا» برگردان نموده است. به عنوان مثال، وی در آیه ﴿حَتَّىٰ إِذَا فَتَخْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾ (مؤمنون/۷۷)، به جای واژه عذاب از واژه بلا استفاده کرده است: «تا وقتی که ما از هر طرف بلاهای سخت به روی ایشان گشودیم و ناامید شدند». این اتفاق در آیه ﴿فَإِذَا أُوْذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ﴾ (عنکبوت/۱۰) نیز، تکرار شده است: «چون در راه دین از طرف دشمنان صدمه و آزاری برسد فتنه و عذاب مردم را با بلای آسمانی برابر سازند».

۴-۸- عقاب

با آن که واژه «عقاب»، خود به عنوان واژه‌ای مستقل، ۲۰ بار در قرآن به کار رفته، اما برخی از مترجمان ترجیح داده‌اند که برای فریه‌سازی مفهوم عذاب در ترجمه، از این واژه استفاده نمایند. به عنوان مثال، مترجمان زیر، آیه ﴿وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ﴾ (شعراء/۱۳۸) را این گونه برگردان نموده‌اند:

- بروجردی: و ما پس از مردن هرگز کیفر و عقابی نداریم.
- الهی قمشه‌ای: و ما هرگز (پس از مرگ دیگر زنده نمی‌شویم و هرگز قیامت و ثواب) و عقابی نخواهیم داشت.

نسفی، در آیه‌ای که ماده عذاب دو بار در آن ذکر شده، به جای کلمه دوم، از واژه «عقاب»، بهره جسته است: ﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْ لَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ﴾ (عنکبوت/۵۳): «و می‌خواهند از تو تعجیل عذاب و اگر حکم نرفته استی به مدت نام برده آمدستیشان عقاب». خرم‌دل نیز، در آیات ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۳۰ و ۳۷ سوره مبارکه قمر که پیش از این ذکر شد، از واژه «عقاب» در کنار واژه «عذاب» برای ترجمه استفاده نموده است: «آیا عذاب و عقاب من و بیم‌دادن‌ها و برحذرداشتن‌های من چگونه بوده است؟»

۵- نتیجه‌گیری

این مطالعه، به منظور بررسی برابرنهادهای واژه «عذاب» در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم انجام شد و نتایج زیر را در برداشت:

- ۱- به جز عاملی، تمامی مترجمان مورد بررسی در این تحقیق، در اکثر قریب به اتفاق موارد، برای ترجمه این واژه از واژه دیگری استفاده ننموده و خود واژه «عذاب» را در ترجمه به کار برده‌اند. این رویه توسط تمامی مترجمان متقدم، متأخر و معاصر پیش گرفته شده و نتایج آماری تحقیق نشان می‌دهد که به‌طور میانگین، در بیش از ۹۳ درصد موارد، این امر تحقق یافته است.

۲- برخلاف تصور رایج درباره استفاده از لغات اصیل در ترجمه‌های کهن فارسی، استفاده از واژه‌ای فارسی به عنوان معادل واژه «عذاب» در ترجمه‌های متقدم چندان رایج نبوده است. البته کاربرد اصل واژه در ترجمه تا حدود قرن سیزدهم هجری، سیر نزولی داشته که در دوران معاصر، این سیر شکسته شده و مترجمان معاصر، از واژگان فارسی کم‌تری برای ترجمه واژه، بهره برده‌اند.

۳- مترجمان در اندک موارد باقیمانده، از واژگانی چون مجازات، شکنجه، کیفر، عقوبت، آزار، گرفتاری، بلا و عقاب، برای ترجمه این واژه سود برده‌اند. از میان کلمات فوق تنها واژگان «شکنجه»، «کیفر»، «آزار» و «گرفتاری»، واژگانی فارسی هستند. مجازات، صرفاً بر جزای حقوقی تأکید دارد. آزار و شکنجه، بر آزرده‌گی جسمی تأکید می‌کند و واژه گرفتاری نیز، نه مفهوم جزا را می‌رساند و نه آزار بدنی را. لذا از بین این واژگان، به‌نظر می‌رسد که واژه «کیفر»، بهترین معادل برای واژه «عذاب» باشد؛ چرا که به‌صورت توأمان به مفاهیم «جزامندی» و «آزار» اشاره دارد.

با توجه به نتایج فوق، روشن می‌گردد که مترجمان قرآن‌کریم باید در امر معادلیابی برای واژگان قرآن‌کریم، مخصوصاً واژگان پرکاربرد و کلیدی، توجه بیش‌تری داشته و اهتمام ویژه‌ای جهت یافتن برابرهادهای اصیل و دقیق فارسی برای واژگان قرآن‌کریم، مبذول دارند. اهمیتی که درباره واژه «عذاب»، مخصوصاً نزد مترجمان معاصر، چندان مشاهده نمی‌شود.

۶- منابع

*قرآن‌کریم

- ۱- آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا، کلمة الله العلیا، تهران: اسوه، (۱۳۷۷ش).
- ۲- آذرنوش، آذرتاش، «ترجمه تفسیر طبری»، ترجمه تفسیر طبری نیست»، یکی قطره باران، جشن‌نامه استاد عباس زریاب خویی، به کوشش احمد تفضلی، تهران: نشر نو، (۱۳۷۰ش).
- ۳- آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سروش، (۱۳۷۴ش).

- ۴- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم والمحیط الاعظم، تحقیق عبدالحمید هنداوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، (۱۴۲۱ق).
- ۵- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبة الاعلام الاسلامی، (۱۴۰۴ق).
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، (۱۴۱۴ق).
- ۷- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد مقدس: انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، (۱۴۰۸ق).
- ۸- ارفع، کاظم، ترجمه قرآن، تهران: فیض کاشانی، (۱۳۸۱ش).
- ۹- اسفراینی، شاهفور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، تصحیح نجیب مایل هروی و علی اکبر خراسانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، (۱۳۷۵ش).
- ۱۰- اسماعیل زاده، حسن، «چالش های معادل یابی واژه «مجنون» در ترجمه آیات قرآن کریم بر اساس نظریه معنی در ترجمه»، مجله پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال پنجم، شماره ۱۲، صص ۶۵-۸۸ (۱۳۹۴ش).
- ۱۱- اسماعیلی، مهران، «برابرنهادهای واژه «وادی» در دوره های تاریخی ترجمه و تفسیر فارسی قرآن»، پژوهشنامه تقلین، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۱۹-۱۵۲، (۱۳۹۴ش).
- ۱۲- الهی قمشه ای، مهدی، ترجمه قرآن، چاپ دوم، قم: فاطمة الزهراء، (۱۳۸۰ش).
- ۱۳- امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، (بی مک): (بی نا)، (بی تا).
- ۱۴- امینیان، کرم خدا، ترجمه منظوم قرآن، قم: اسوه، (۱۳۸۴ش).
- ۱۵- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم: اسوه، (۱۳۸۳ش).
- ۱۶- برزی، اصغر، ترجمه قرآن و نکات نحوی آن، تهران: بنیاد قرآن، (۱۳۸۲ش).
- ۱۷- بروجردی، محمد ابراهیم، ترجمه قرآن، چاپ ششم، تهران: کتابخانه صدر، (۱۳۶۶ش).
- ۱۸- بلاغی، عبدالحجه، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم: چاپخانه حکمت، (۱۳۸۶ق).
- ۱۹- بهار، محمد تقی، دیوان اشعار، برگرفته از پایگاه اینترنتی «گنجور» به آدرس: <https://ganjoor.net/bahar/>

- ۲۰- پاکتچی، احمد، مقاله «ترجمه قرآن» در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۱۵، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، (۱۳۸۷ش).
- ۲۱- _____، *ترجمه‌شناسی قرآن کریم*، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، (۱۳۹۲ش).
- ۲۲- پاینده، ابوالقاسم، *ترجمه قرآن*، چاپ پنجم، تهران: جاویدان، (۱۳۵۷ش).
- ۲۳- پورجوادی، کاظم، *ترجمه قرآن*، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، (۱۴۱۴ق).
- ۲۴- تشکری آرانی، شهاب، *ترجمه قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، (۱۳۸۳ش).
- ۲۵- ثقفی تهرانی، محمد، *روان جاوید در تفسیر قرآن مجید*، چاپ دوم، تهران: برهان، (۱۳۹۸ش).
- ۲۶- جمعی از نویسندگان، *ترجمه تفسیر طبری*، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: توس، (۱۳۵۶ش).
- ۲۷- چلیک، قدری، *ترجمه ترکی قرآن*، برگرفته از نرم‌افزار جامع التفاسیر نور، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ۲۸- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، *دیوان غزل*، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، به اهتمام حسن اعرابی، قم: رواق اندیشه، (۱۳۷۹ش).
- ۲۹- حجتی، مهدی، *گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن)*، چاپ ششم، قم: بخشایش، (۱۳۸۴ش).
- ۳۰- حداد عادل، غلامعلی، *ترجمه قرآن*، چاپ سوم، مشهد مقدس: انتشارات آستان قدس رضوی، (۱۳۹۰ش).
- ۳۱- خامسی هامانه، فخرالسادات، شریعت، محمد جواد، الهام‌بخش، سید محمود، «جستاری در کهن‌واژگان مشترک تفسیر قرآن کمبریج با اشعار سبک خراسانی»، *مجله متن‌شناسی ادب فارسی*، دوره جدید، شماره ۲، پیاپی ۱۴، صص ۱۷-۳۸، (۱۳۹۱ش).
- ۳۲- خرم‌دل، مصطفی، *تفسیر نور*، چاپ چهارم، تهران: نشر احسان، (۱۳۸۴ش).
- ۳۳- خسروانی، علیرضا، *تفسیر خسروی*، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، (۱۳۹۰ق).
- ۳۴- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، (۱۳۷۷ش).
- ۳۵- دهلوی، شاه ولی‌الله، *ترجمه قرآن*، سراوان: کتابفروشی نور، (بی‌تا).

- ۳۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیه، (۱۴۱۲ق).
- ۳۷- رضایی اصفهانی، محمد علی، ترجمه قرآن، قم: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دار الذکر، (۱۳۸۳ش).
- ۳۸- رودکی، ابو عبدالله، دیوان رودکی سمرقندی، بر اساس نسخه سعید نفیسی و ی. براگینسکی، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه، (۱۳۷۶ش).
- ۳۹- رهنما، زین العابدین، قرآن مجید با ترجمه و جمع آوری تفسیر، تهران: سازمان اوقاف، (۱۳۵۴ش).
- ۴۰- زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیر، بیروت: دار الفکر، (۱۴۱۴ق).
- ۴۱- سراج، رضا، ترجمه قرآن، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، (۱۳۹۰ق).
- ۴۲- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العبادة، ترجمه محمد رضاخانی و حشمت الله ریاضی، تهران: سر الاسرار، (۱۳۷۲ش).
- ۴۳- سورآبادی، عتیق بن محمد، تفسیر قرآن کریم (عکس نسخه مکتوب به سال ۵۲۳ هجری قمری محفوظ در کتابخانه دیوان هند لندن)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، (۱۳۴۵ش).
- ۴۴- شعرانی، ابوالحسن، قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سور و آیات، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی اسلامی، (۱۳۷۴ش).
- ۴۵- صادق نوبری، عبدالمجید، قرآن مجید با تفسیر کشف الحقایق، با نویسندگی محمد کریم علوی حسینی، تهران: اقبال، (۱۳۹۶ق).
- ۴۶- صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، قم: شکرانه، (۱۳۸۸ش).
- ۴۷- صفوی، محمدرضا، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، قم: دفتر نشر معارف، (۱۳۸۸ش).
- ۴۸- صفی علی شاه، محمد حسن بن محمد باقر، تفسیر قرآن صفی علی شاه، تهران: منوچهری، (۱۳۷۸ش).
- ۴۹- صلواتی، محمود، ترجمه قرآن، تهران: مبارک، (۱۳۸۷ش).
- ۵۰- طاهری قزوینی، علی اکبر، ترجمه قرآن، تهران: قلم، (۱۳۸۰ش).

- ۵۱- طباطبائی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۰ق).
- ۵۲- طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، (۱۳۷۴ش).
- ۵۳- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ترجمه احمد امیری شادمهری، مشهد مقدس: انتشارات آستان قدس رضوی، (۱۳۷۵ش).
- ۵۴- عابدی جزینی، مهدی، ربانی، نفیسه، ربانی زهره، «بررسی طرح‌واره‌های تصویری «عذاب» در قرآن کریم از منظر زبان‌شناسی شناختی»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال پانزدهم، شماره ۳، پیاپی ۳۹، صص ۱۲۷-۱۵۷، (۱۳۹۷ش).
- ۵۵- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی صدوق، (۱۳۶۰ش).
- ۵۶- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، با ویرایش عزیزالله علیزاده، تهران: راه رشد، (۱۳۸۹ش).
- ۵۷- فارسی، جلال الدین، ترجمه قرآن، تهران: انجام کتاب، (۱۳۶۹ش).
- ۵۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، (۱۴۱۰ق).
- ۵۹- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ، دیوان قصاید فرخی سیستانی، تهران: نشر موج نور، (بی‌تا).
- ۶۰- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۴۱۸ق).
- ۶۱- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیه، (۱۴۱۵ق).
- ۶۲- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: دار الهجرة، (۱۴۱۴ق).
- ۶۳- قرشی بنایی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ دوم، تهران: مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت، (۱۳۷۵ش).
- ۶۴- کاویانپور، احمد، ترجمه قرآن، چاپ سوم، تهران: اقبال، (۱۳۷۲ش).

بررسی برابرنهادهای واژه «عذاب» در ترجمه های فارسی قرآن کریم _____ مجتبی شکوری و همکاران

- ۶۵- گلی ملک آبادی، فاطمه، خاقانی اصفهانی، محمد، شکرانی، رضا، «نقدی معاشناختی بر ترجمه های فارسی «دون» در قرآن کریم»، مجله جستارهای زبانی، دوره هشتم، شماره ۱، صص ۲۰۷ - ۲۳۰، (۱۳۹۶ش).
- ۶۶- گولپینارلی، عبدالباقی، ترجمه ترکی قرآن، قم: انتشارات انصاریان، (۱۹۸۲م).
- ۶۷- مترجم ناشناخته، ترجمه قرآن (قرن دهم هجری)، به کوشش علی رواقی، تهران: گروه نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی، (۱۳۸۳ش).
- ۶۸- متینی، جلال (مصحح)، تفسیر قرآن مجید (نسخه محفوظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، (۱۳۴۹ش).
- ۶۹- مرسلی، نوش آفرین، مهتدی، حسین، فرع شیرازی، سید حیدر، معاشناسی واژه عذاب در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم نشینی و جانشینی، فصلنامه پژوهش های ادبی - قرآنی، سال ششم، شماره سوم، صص ۱۵۵ - ۱۸۵، (۱۳۹۷ش).
- ۷۰- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ترجمه قرآن، قم: بوستان کتاب قم، (۱۳۸۵ش).
- ۷۱- مشکینی اردبیلی، علی، ترجمه قرآن، چاپ دوم، قم: نشر الهادی، (۱۳۸۱ش).
- ۷۲- مصباح زاده، عباس، ترجمه قرآن، تهران: بدرقه جاویدان، (۱۳۸۰ش).
- ۷۳- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ش).
- ۷۴- معروف، یحیی، فن ترجمه، چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)؛ کرمانشاه: دانشگاه رازی، (۱۳۸۶ش).
- ۷۵- معزی، محمد کاظم، ترجمه قرآن، قم: اسوه، (۱۳۷۲ش).
- ۷۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی (دوره دو جلدی)، گردآورنده عزیزالله علیزاده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آدنا، کتاب راه نو، (۱۳۸۶ش).
- ۷۷- مغنیه، محمد جواد، ترجمه تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، قم: بوستان کتاب، (۱۳۷۸ش).
- ۷۸- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، چاپ دوم، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۳۷۳ش).

- ۷۹- موسوی گرمارودی، علی، ترجمه قرآن، چاپ دوم، تهران: قدیانی، (۱۳۸۴ش).
- ۸۰- مولوی، جلال الدین محمد، کلیات شمس تبریزی، به کوشش حسن ساسانی، تهران: سایه نیما، (۱۳۸۶ش).
- ۸۱- میبدی، احمد بن محمد، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، به اهتمام علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران: امیرکبیر، (۱۳۷۱ش).
- ۸۲- نسفی، عمر بن محمد، تفسیر نسفی، تصحیح عزیز الله جوینی، تهران: انتشارات سروش، (۱۳۷۶ش).
- ۸۳- یاسری، محمود، ترجمه قرآن، تحقیق مهدی حائری تهرانی، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، (۱۴۱۵ق).